فرصت ها و بهره ها

مريم حاجى شرفى, شماره اشتراك 3509, از دزفول

جهانِ اكنون, جهان انديشه هاى تازه و نگاه هاى نو است. جامعه ما در راه برقرارى نظام ها و تأسيسات اجتماعى مبتنى بر انگاره هاى دينى, راهى دراز اما روشن فراپيش دارد; لكن تنها گام هاى استوار شوق و شناخت, اين جاده را مى پيمايد و توشه هاى گران مايه عقل و عشق, آن را آسان مى كند.

فرصت, موهبتى است الهى

فخر رازى, از علماى اهل تسنن, مى گويد: يكى از بزرگان و وارستگان را ديدم كه مى گفت: شخصى را ديدم كه يخ مى فروخت و مكرر فرياد مى زد: (ارْحَمُوا من يذوب رأس ماله; به كسى كه سرمايه اش ذوب مى شود, رحم كنيد. )

پس با خود گفتم اين است معناى سخن خداوند كه مى فرمايد: (والعصر\* ان الانسان لفى خسر;1 سوگند به عصر, كه انسان در خسران و زيان است. )

انسانى كه روز به روز از عمرش كاسته مى شود و در برابر آن, فضايلى كسب نمى كند, مانند يخى است كه آب مى شود و هيچ مى گردد. نه مى توان وقت را خريد و نه مى توان قرض گرفت. فرصتى كه به رايگان در اختيار ما قرار گرفته, موهبتى الهى است و به قدرى با ارزش است كه هيچ چيز با آن برابرى نمى كند. با مواظبت, دقت, تلاش, استقامت و استفاده از اين موهبت الهى مى توان بسيارى از چيزهاى مادى و معنوى را به دست آورد; ولى با هيچ وسيله اى نمى توان فرصت از دست رفته را بازگرداند.

روز بگذشـت خيالسـت كه از نـو آيد

فرصت رفته محالست كه از سر گردد

بزرگى در مقام نصيحت به فرزند خود گفت: ضربان هاى قلب و دقايق حيات, هر كدام شماره معيّن دارد; نه كم مى شود و نه زياد. مرگ خود مى رسد و همين كه پيمانه عمر لبريز شد, نداى رحيل در مى دهند. پس حسابگرانه زندگى كنيم كه به هنگام رفتن, حسرت و تأسفى نداشته باشيم. از روزهاى كوتاه عمر بهترين استفاده را ببريم و كارهاى بزرگ انجام دهيم.2

(لرد شسترويلد) نيز در جايى كه روى سخن با فرزند خود دارد مى گويد: هر دقيقه اى كه بگذرد فرصتى فوت مى شود كه هيچ وقت به دست نمى آيد. لحظه اى كه به كارهاى مفيد صرف شود, تخمى است كه مى رويد و بزرگ مى شود و روزى ثمر مى دهد. زندگى, كوتاه تر از آن است كه ساعت آن را تلف كنيم. پس بر دقايق حيات خود حريص باش و روزهاى عمر گران بها را بى جا صرف مكن كه آب رفته به جوى باز نمى گردد و روز گذشته به دست نمى آيد.

گر گوهرى از كفت برون تافت

در سايه وقت مى توان يافت

گر وقت رود زدست انسان

با هيچ گهر, خريد نتوان

و به قول شيخ بهايى:

آنچه ندارد عوض اى هوشيار

عمر عزيزى است غنيمت شمار

محاسبه

چهارمين گامى كه علماى اخلاق براى رهروان اين راه ذكر كرده اند, محاسبه است. محاسبه يعنى اين كه هر كس در پايان هر سال, يا ماه, يا هفته و يا در پايان هر روز به محاسبه كارهاى خويشتن بپردازد و عملكرد خود را در زمينه خوبى ها و بدى ها, اطاعت كند و عصيان, و خداپرستى و هواپرستى دقيقاً مورد محاسبه قرار دهد.

بديهى است محاسبه چه در امور دينى و چه در امور دنيوى, يكى از دو فايده مهم زير را دارد. اگر صورت حساب, سود كلانى را نشان دهد, دليل بر صحت عمل و درستى راه و لزوم تعقيب آن است, و هر گاه زيان مهمى را نشان دهد, دليل بر نادرستى عمل مى باشد كه هر چه زودتر بايد براى اصلاح آن كوشيد. منابع اسلامى در اين زمينه اشارات پر معنايى دارند. آيات فراوانى از قرآن, وجود نظم و حساب در مجموعه جهان آفرينش را نشان مى دهد و انسان ها را به دقت و انديشه در آن دعوت مى كند; از جمله مى فرمايد: (و السماء رَفَعَها وَ وَضَعَ الميزانَ\* اَلاّ تَطْغَوا فى الميزان;3 آسمان را برافراشت و ترازو را بر نهاد تا در آن طغيان نكنيد. )

در آيه اى ديگر مى خوانيم: (و كلُّ شىءٍ عندَهُ بمقدارٍ;4 هر چيز نزد او (خدا) مقدار معيّنى (حساب روشنى) دارد. )

فرصت ها زودگذرند

امام على$ مى فرمايد: (الفُرصَةُ تَمُر مَرّ السَّحاب فانتهزوا فُرُصَ الخير;5 فرصت ها مانند ابر مى گذرند, پس فرصت هاى نيكو را از دست ندهيد. )

هر چيزى در دنيا قابل جبران است, غير از وقت كه چون از دست رفت ديگر بر نمى گردد. اكثر جوانان تصور مى كنند عمرشان تا ابديت گسترده است, به همين دليل قدر وقت را نمى دانند و زمانى به خود مى آيند كه غبار پيرى چهره آنان را گرفته است.

وضع اكثر جوانان مانند مردى ثروت مند است كه سرمايه خود را بدون پروا خرج مى كند, غافل از آن كه دير يا زود ثروت كلانش به پايان خواهد رسيد. (آنتوان چخوف) با اين كه كمتر از پنجاه سال عمر كرد, اما به دليل آن كه قدر وقت را مى دانست هزار داستان كوتاه و چندين كتاب از خود به يادگار گذاشت.

شايد (يك روز) خيلى بى اهميت به نظر برسد, اما از لحاظ كيفيّت با (يك سال) بلكه با (ابديت) برابر است; گو اين كه از حيث كميّت ابداً قابل مقايسه نيست, زيرا (يك سال) بر اساس همين (يك روز) بلكه بر اساس (يك ساعت) محاسبه مى شود; هم چنان كه ارقام بزرگ از اعداد كوچك سرچشمه مى گيرند.

دانشمندى مى نويسد: (ما همچون زارعى هستيم كه هر روز بيشتر از روز گذشته كشتزار مرگ خود را شخم مى زنيم. )

رشته عمـر تو را ليـل و نهار پاره سازد لحظه لحظه تارتار

(ناپلئون كبير) براى انجام هر كارى وقتى تعيين كرده بود. وى فقط با تقسيم وقت و تهيه بودجه اى عاقلانه براى آن توانست در مدتى كوتاه ديگران را با اعمال خويش به حيرت بيندازد.

بزرگانى همچون علامه طباطبائى, استاد مطهرى, پروفسور حسابى, علامه جعفرى, ابوريحان بيرونى و… كه عمر پر بركت آنها الگويى شايسته براى پيمودن راه موفقيت و كام يابى اكثر جوانان است, در اثر آگاهى و شناخت از وقت توانستند در طى عمر كوتاه خود آثار گران بهايى از خود به يادگار گذارند.

به گفته (پيتر دراكر), زمان نادرترين منبعى است كه در اختيار هر كس قرار مى گيرد و موفقيت فرد به نحوه استفاده و اداره درست آن بستگى دارد. اگر (ابن سينا) قدر و ارزش وقت را نمى دانست, نمى توانست بالغ بر 120 جلد كتاب تأليف كند. اگر (جان دالتون) و (ولتر) از سرمايه با ارزش عمر نهايت بهره را نمى بردند, قطعاً نمى توانستند آثار فراوان و با ازرشى توليد كنند.

كيمياى جوانى

ايام جوانى, دوران درخشندگى و فروغ زندگى است. دنيا با درخشش جوانان, سرسبز و با طراوت است, به طورى كه دنياى بى جوان, ماتمكده اى بيش نيست.

ويژگى هايى نظير نشاط, كوشش, هيجان, انتقاد, زيبا دوستى, پويايى, نوجويى و نوآورى, همزاد با اين دوران است. جوان با اين توشه به سوى هدف گام بر مى دارد و همواره در پى رسيدن به سعادت, تلاش و كوشش مى كند.

نگاه مهربان پيامبر اكرم (صلى الله عليه و آله)به جوانان همراه با بزرگداشت شخصيت, تكريم احساسات و نيازهاى حقيقى و توجه به قلب هاى پاك و زلال آنان بود. ضمن اين كه ديگران را نيز به رعايت اين امر رهنمون مى ساخت: (أوصيكم بالشبّان خيراً, فانّهُم اَرَقُّ اَفئدَةً للحَقِّ;6 شما را سفارش مى كنم كه با جوانان به خوبى و نيكى رفتار كنيد, چرا كه آنان نازك دل و در پذيرش حق آماده ترند. )

روى آوردن جوانان به سوى پيامبر, نتيجه عملكرد و رفتار متين, محبت آميز و حكيمانه آن حضرت بود. سخن او بر دل ها مى نشست, زيرا گرايش جوان به خوبى و نيكى, بيش تر و سريع تر از ديگران است.

دل جوان با نوخواهى, طراوت مى يابد, چرا كه جوان براى زمانى غير از زمان گذشتگان آفريده شده و پذيرش سخن و انديشه نو با سرشت او آميخته است. از اين منظر, كاركرد و اثر پيام روح بخش پيامبر عيان مى گردد; پيامى كه چونان آب گوارا, دل تشنه آنان را سيراب كرد و ايشان را فدايى او ساخت.

[ صرفه جويى در وقت, هنگام مسافرت

بعضى از سفرها, هدر دهنده بزرگ وقت گران بهاى ما انسان هاست. بنابر اين قبل از تنظيم هر گونه سفرى, كمى تأمل كنيد و از خود بپرسيد: (آيا سفر من جداً لازم است؟

هزينه سفر را محاسبه كنيد. با استفاده از فرمول (آيا ممكن نيست از راه كم هزينه تر مثل فاكس يا پست الكترونيكى و يا نظاير آن, كار خود را به سرانجام رساند. يكى از بهترين راه هاى صرفه جويى در پول و وقت, استفاده از كنفرانس هاى ويديويى است.

قطار به جاى اتومبيل

هر زمان كه امكانش باشد به جاى اتومبيل, با قطار سفر كنيد. قطار معمولاً وسيله نقليه كم خطر, راحت تر و اقتصادى به شمار مى رود, زيرا مى توانيد از وقت خود به نحو احسن استفاده كنيد و به مطالعات جنبى بپردازيد و يا حتى كارهاى تحقيقاتى يا ادارى خود را انجام دهيد.

بسيارى از مردم به جاى آن كه وقت خود را بر تعداد اندكى از فعاليت هاى اصلى و اساسى متمركز نمايند, آن را صرف امور و وظايف فرعى عديده اى مى كنند.

بر اساس قاعده 20 ـ 80, تنها 20% از وقت و تلاشى كه به صورت مؤثر به كار گرفته شده باشد, نتايج ذيل را در بر خواهد داشت.

تنها 20% از مشتريان و محصولات, موجب 80% از معاملات هستند.

تنها 20% از روزنامه, در برگيرنده 80% از اخبار است.

تنها 20% از كارهاى روى ميز (مكاتبات ادارى) موجب حصول 80% از موفقيت در يك هفته مى شود.

تنها 20% از زمان جلسات, توليد كننده 80% از تصميمات است.

(ويلفرد پارتو), اقتصاددان ايتاليايى اين قاعده را براى اولين بار در قرن نوزدهم مطرح كرد. وى به كمك مطالعات آمارى دريافت كه 20% از جمعيت, مالك 80% از ثروت ملى هستند. اين همبستگى به (قانون پارتو) نيز شناخته شده است.

پى نوشت ها:

1ـ عصر (103) آيات 1 و 2.

2ـ با كمى تغيير و جا به جايى.

3ـ رحمن (55) آيات 7 و 8.

4ـ رعد (13) آيه 8.

5ـ بحار الانوار, ج 71, ص 337.

6ـ سفينة البحار, ج 2, ص 176.